

# بی خدایان ۲۵ Atheists

www.bikhodayan.com

azam\_kamguian@yahoo.com

سردبیر: اعظم کم گویان

ماهنامه بی خدایان



اعظم کم گویان

## عکس العمل مردم یا تعرض اسلام سیاسی؟

اسلام سیاسی برای گرفتن امتیاز و علیه آزادیخواهی و مدنیت و به چنگ آوردن سهم بیشتری از انسانیت دست اندرکاران این نفوذ و قدرت! برای باجگیری تعرض آنهایی هستند که در عراق سیاسی که غرب هم تحت پوشش و فلسطین و ایران و نیویورک و عناوین بالا بعنوان شریک آنها در لندن سالهاست ترور فیزیکی و این تعرض این امتیازات را به آنها روحی می کنند: آنهایی که می دهد. این حرکتی آگاهانه است هالاکاست اسلامی برپا کرده اند و که ابعاد آن بسیار فراتر از سرکوب آنهایی که عراق را به منجلابی آزادی بیان است. این تعرضی برای اسلام سیاسی و قداره بندان سیاسی برای ارباب بیشتر مردم تروریست تبدیل کردند. دو پای این تعرض هر کدام آن را به شیوه خود به پیش می برند.

بگیرد. این مظلوم نمایی در مورد "توهین به اسلام و جریحه دار شدن احساسات مسلمانان" و ... همگی پوششی برای این امتیاز گیری است که البته تونی بلر و سیاستمداران دیگر و محافل همدست و همفکر آن هم این کد رمز را می دانند و چراغ سبز و جواب مناسب به آن را می دهند.

طوفان ناشی از انتشار کاریکاتورهای محمد به فرصتی برای اسلام سیاسی و دولتهای آن و محافل و دولتهای ارتجاعی حاکم بر غرب تبدیل شده تا توقعات مردم را بیشتر از این به عقب برانند و آزادیخواهی را بیشتر از این منکوب و مرعوب کنند. اینها دست در دست هم می کوشند دنیا را به گورستانی ساکت تبدیل سازند آن را به قهقرا بپرند تا بتوانند تاخت و تاز بیشتر و توحش را چه زمخت و چه در زورق باز زندگی مردم عجین کنند. این کمپینی است از سوی ارتجاعی ترین محافل و باندهای حاکم سیاسی در شرق و در غرب

"آزرده کردن احساسات مسلمانان" "توهین به اسلام و عقاید مذهبی مردم" "نادیده گرفتن ارزشهای فرهنگی مسلمانان" و "رویاریوی تمدنهای اسلامی و غربی" را این روزها در متن طوفان برپا شده ناشی از انتشار کاریکاتورهای محمد پیغمبر اسلام می شنوید. اینها را هم دولتهای مصر و عربستان و پاکستان و ایران و اندونزی و بوسنی و مصر و الازهر و بن لادن و امام جمعه های بریتانیا و جریانات اسلامی و ولی فقیه و سفرای آن در کشورهای غربی می گویند هم تونی بلر و محافل مختلف راست و لیبرال همدست و همفکر آن. همراه با اینها تظاهرات هایی از سوی دولتهای اسلامی و جریانات عربده کش اسلام سیاسی در خیابانهای کابل و بیروت تهران و حمله به سفارتخانه ها و به آتش کشیدن آنها را مشاهده می کنید. اینها اجزای یک کمپین آگاهانه سیاسی است: تعرضی از سوی

## عروج جنبشهای مذهبی، برابری زنان و مذهب ضد امپریالیست



کفتگو با مجید حسینی

بی خدایان: علت موج برگشت مذهب در نیمه دوم قرن بیستم را در چه می بینید؟ آیا عروج جنبشهای اسلامی را هم در همین چهارچوب تبیین می کنید؟

مجید حسینی: علت موج برگشت جنبش های مذهبی در نیمه دوم قرن بیستم با تحلیل و تحقیق محدود به خود جنبش های مذهبی، چگونگی موقعیت امروز آنها بدست نمی آید. عواملی عمومی و جهانی و اساسا خارج از جنبش های مذهبی، فرجه را برای جنبش های مذهبی و دیگر جنبشهای ارتجاعی در سطح دنیا باز کرده است. در نیم قرن اخیر و کلا در قرن بیستم جنبشهای مذهبی و غیر مذهبی تحت تاثیر روندهای



دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

بین‌المللی و بسیار مهم‌تر از خود پروپال گرفتند یا به حاشیه رفتند. انقلاب بزرگ فرانسه در سال ۱۷۸۹، انقلاب ۱۸۴۸ کمون پاریس، ضربات اساسی به مذهب و اقتدار آن در سطح اروپا و دنیا وارد ساخت. بدنبال این انقلابات در ذهن و باورهای مردم در برابر با قوانین و باورهای متحجر و عقب مانده مذهبی، انقلاب شد و جنبش‌های ضد مذهبی و سکولار در فرانسه و بعداً در سراسر جهان گسترش یافت. در این دوره منافع بورژوازی و رشد آن با قوانین دست و پاگیر مذهبی و حکمرانی رهبران دینی که در دولتها دارای نفوذ و قدرت زیادی بودند، خوانایی نداشت. نیاز سرمایه دولتهای بورژوازی و سرمایه داران را مجبور نمود که با مذهب در افتند و دولت و قوانین آنرا از چنگال مذهب و چهار چوبهای مذهبی بدر آورند.

اما انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، بزرگترین ضربه اجتماعی را در سطح دنیا به مذهب وارد ساخت. بعد از پایان جنگ دوم جهانی و پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه، جهان از نظر اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیک به دو قطب و دو اردوگاه مشهور شرق و غرب تقسیم شد. دورانی که به دوره جنگ سرد مشهور است، دوره ای است که غرب برای مقابله با اردوگاه مقابل، هم به انجام بعضی اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشورهای حوزه نفوذ خود دست زد و هم اینکه متوجه ظرفیت ارتجاعی مذهب در برابر با اردوگاه شرق و کلا جنبشهای سکولار و آزادیخواهانه شد. دولتهای غربی در سطح اروپا و بخصوص در منطقه خاورمیانه، راه را برای مذهب و جنبشهای مذهبی باز کردند و به تقویت و حمایت از آن پرداختند.

به همان طریقی که انقلابات آزادیخواهانه و کمونیستی و جنبشهای سکولار، به حرافات مذهبی ضربه می‌زند، شکست یا ناکامی این انقلابات بهر لیلی، می‌تواند زمینه مساعدی برای رشد خرافه‌های مذهبی بوجود آورد. اگر در ابتدا ضرورت مقابله با انقلاب کمونیستی اکثر یک عامل رشد و تقویت جریانات مذهبی از طرف غرب بود، ناکامی این انقلاب، بعداً شکست مدل ناسیونالیسم رفرمیستی دولتی در جهان، بی‌سرانجامی پروژه‌های اصلاحات سیاسی و اقتصادی غرب در کشورهای عقب مانده، عدم حضور جنبش کمونیستی بعنوان پرچم اعتراض مردم در نقطه‌ای از جهان، از جمله عوامل دیگر رشد جریانات مذهبی در نیم قرن اخیر هستند. بدنبال فروپاشی اردوگاه شرق و دیوار برلین، و ناتوانی جنبش‌های غیر مذهبی در جلب و بسیج مردم، به اضافه تبلیغات قوی اعلام شکست کمونیسم و حتی پایان آن، از نظر سیاسی و ایدئولوژیکی خلانی در دنیا بوجود آورد و در این خلاء جنبش‌های مذهبی خود را بعنوان آلترناتیو سیاسی و اجتماعی جلو کشیدند. از موضع میلیتانت ارتجاعی به معضلات سیاسی بر خورد کردند، با کمک و پشتیبانی پول و اسلحه دولتها، جنبش‌های سیاسی مذهبی براه انداختند. تحرک جنبشهای مذهبی بیش از آنکه حاصل قدرت و افکار و آرا مذهبی در جامعه و در میان مردم باشد، محصول فعالیت بورژوازی در تقویت و حراست همه جانبه از این خرافه دیرین و جنایات جریانات مذهبی است.

عروج جنبشهای اسلامی نمونه‌ای برجسته‌ای است در اثبات احکامی که بیان کردیم. تمام جنبشهای اسلامی، دولتهای اسلامی از ابتدا و اکثراً تا به امروز توسط کشورهای غربی سرهم بندی شده اند و سر پا نگذاشته میشوند. دولت جمهوری اسلامی را غرب سرکار آورد و به مردم تحمیل کرد. بدون کمک آمریکا، عربستان، ایران، پاکستان، افغانستان، عراق و پول‌های کلان ده‌ها شیخ نشین مسلمان عربی، جنبش‌های اسلامی در جهان نمی‌توانند این چنین برو بیا راه اندازند و عربده سر دهند و جان و زندگی مردم را تهدید نمایند. جمهوری

اسلامی را آمریکا و دیگر کشورهای غربی سرکار آوردند، حماس و جریانات مذهبی در زدن ناسیونالیسم و مذهب و زنده کردن هر خرافه‌ای روی آوردند. دو انقلاب بسر انجام نرسیده در ایران، انقلاب مشروطیت و انقلاب ۱۳۵۷، چنان پایه‌های جنبشهای ضد مذهبی و آزادیخواهانه را در اعماق جامعه ایران محکم کرده است که گشتار و سرکوب هر روزه جمهوری اسلامی در ۲۶ سال گذشته نتوانسته است مردم را به عقب بکشاند. این دو انقلاب، تضاد مذهب و سکولاریسم و جنبش ضد مذهبی مردم در ایران را به اوج خود رسانده است. اگر یکماه زندان و شکنجه، اعدام، و سایه دستگاه‌های سرکوب و فشار جمهوری اسلامی را از سر مردم بردارید، زندگی اجتماعی و سیمای سیاسی جامعه ایران بطور کلی زیر و رو خواهد شد. اسلام و جنبشهای اسلامی با زور و خون و گشتار زنده است و تنها نیروی مردم آزادیخواه و جنبشهای سکولار قادر است آن را سر جایش بنشاند.

از سالهای دهه هفتاد در دوره جنگ سرد اسلام سیاسی کم‌کم جان گرفت. غرب برای مقابله با شوروی و جنبش چپ و کمونیسم، جریانات اسلامی را تقویت کرد. بدنبال سقوط شوروی، باز هم برای گسترش دامنه نفوذ خود، برای جلوگیری از جنبشهای آزادیخواهانه و سهم‌بری بیشتر از حاصل سقوط اردوگاه شرق به راه اندازی جنبشهای اسلامی در کشورهای منطقه شدت داد. شکست انقلاب ۵۷ مردم در ایران و سرکار آوردن دولت جمهوری اسلامی، بزرگترین پیروزی برای اسلام سیاسی در جهان بود. با سرکار آمدن جمهوری اسلامی جنبشهای اسلامی در جهان تقویت شدند و به استراتژی کسب قدرت و اداره جامعه دست پیدا کردند. با گسترش مخالفت‌های ارتجاعی غرب و جمهوری اسلامی با هم، دولتهای دیگر اسلامی و اروپایی در رقابت با ایران به تقویت هر چه بیشتر جریانات اسلامی وابسته به خود در اقصی نقاط جهان دست زدند.

نظام سرمایه از ترس چپ و کمونیسم، و در رقابت با هم، به باد زدن ناسیونالیسم و مذهب و زنده کردن هر خرافه‌ای روی آوردند. دو انقلاب بسر انجام نرسیده در ایران، انقلاب مشروطیت و انقلاب ۱۳۵۷، چنان پایه‌های جنبشهای ضد مذهبی و آزادیخواهانه را در اعماق جامعه ایران محکم کرده است که گشتار و سرکوب هر روزه جمهوری اسلامی در ۲۶ سال گذشته نتوانسته است مردم را به عقب بکشاند. این دو انقلاب، تضاد مذهب و سکولاریسم و جنبش ضد مذهبی مردم در ایران را به اوج خود رسانده است. اگر یکماه زندان و شکنجه، اعدام، و سایه دستگاه‌های سرکوب و فشار جمهوری اسلامی را از سر مردم بردارید، زندگی اجتماعی و سیمای سیاسی جامعه ایران بطور کلی زیر و رو خواهد شد. اسلام و جنبشهای اسلامی با زور و خون و گشتار زنده است و تنها نیروی مردم آزادیخواه و جنبشهای سکولار قادر است آن را سر جایش بنشاند.

از سالهای دهه هفتاد در دوره جنگ سرد اسلام سیاسی کم‌کم جان گرفت. غرب برای مقابله با شوروی و جنبش چپ و کمونیسم، جریانات اسلامی را تقویت کرد. بدنبال سقوط شوروی، باز هم برای گسترش دامنه نفوذ خود، برای جلوگیری از جنبشهای آزادیخواهانه و سهم‌بری بیشتر از حاصل سقوط اردوگاه شرق به راه اندازی جنبشهای اسلامی در کشورهای منطقه شدت داد. شکست انقلاب ۵۷ مردم در ایران و سرکار آوردن دولت جمهوری اسلامی، بزرگترین پیروزی برای اسلام سیاسی در جهان بود. با سرکار آمدن جمهوری اسلامی جنبشهای اسلامی در جهان تقویت شدند و به استراتژی کسب قدرت و اداره جامعه دست پیدا کردند. با گسترش مخالفت‌های ارتجاعی غرب و جمهوری اسلامی با هم، دولتهای دیگر اسلامی و اروپایی در رقابت با ایران به تقویت هر چه بیشتر جریانات اسلامی وابسته به خود در اقصی نقاط جهان دست زدند.

مجدد حسینی: هیچ نوع برابری در چهارچوب مذاهب و قوانین آن قابل دسترسی و اجرا نیست. حتی نوع مذهبی که فمینیستها بخواهند خلقت کنند، مشکل دیگری به مشکلات بشر اضافه خواهد کرد و نمی‌تواند ذره‌ای عدالتخواهی در آن پیدا کرد. اصلاً خود جنبش فمینیستی مبنای حرکتش برابری انسانها نیست، از موضع صنف زن به مذهب و پدیده‌ها نگاه میکند، در خود نابرابر است. حال مذهب مورد نظرش را به این دیدگاه آنها اضافه کنید تا متوجه شوید چه چرندیاتی را آنها در قالب مذهب، بنام برابری به خورد مردم می‌دهند! فمینیستها فکر می‌کنند اگر خدا و پیامبران آن زن بودند، مشکل حل بود. در صورتیکه ضدیت مذهب با زن ربطی به جنسیت پیامبران ←

نقد مردم به آن. در دوره ای که الهیات رهایی بخش به اندازه اسلام سیاسی در قدرت است و در جمهوری اسلامی با امریکا مخالفت نکرده اند و شعارهای دفاع از مستضعفین را برنداشته اند. جنبش طالبان و حماس و القاعده و... بیش از مدعیان الهیات رهایی بخش ضد آمریکایی و ضد غربی هستند. طرفداران الهیات رهایی بخش در ایران توده ایها بودند و به گرد جمهوری اسلامی ضد آمریکایی چرخیدند تا خیری را به شوری برسانند. شعار "مرگ بر آمریکا" کافی بود تا طرفداران الهیات رهایی بخش و ضد امپریالیست توده ایستی در ایران، دسته دسته جوانان و انسانهای آزادیخواه را به جوخه های اعدام جمهوری اسلامی ضد امپریالیست بسپارند. حالا که شوروری موقعیت سابق در جهان را ندارد، مسئله اردوگاهی به شیوه گذشته مطرح نیست، جریانات چپ و راست اسلامی رفرمیست در حاشیه جنبشهای سیاسی مذهبی زیست میکنند و ابعاد بیسابقه تنفر مردم از مذهب را بو کشیده اند و بفرکر پیدا کردن راه نجات مذهب از جنبش قوی ضد مذهبی اند. من فکر نمی کنم اینها بتوانند کاری انجام دهند و با سقوط جمهوری اسلامی حاشیه ای تر از این خواهند شد.

**بی‌خدایان: چگونه بی‌خدا شدید؟**  
 مجید حسینی: من در خانواده ای زندگی کره ام که به نسبت دوروبر خود وضعیت بهتری داشتم. خانواده ما از جمله دهقانان مرفه روستا بود و مخارج زندگی ما اساسا از طریق تجارت پدرم و نه کشاورزی تامین میگشت. رفت و آمد دائمی پدرم به شهرهای بزرگ ایران و آشنایی با زندگی شهری بر او و بر زندگی خانوادگی ما اثر مثبت گذاشت. آن سالها مصادف بود با اوایل دهه چهل و دوره اصلاحات ارضی در ایران و رویی آوری و توجه وسیع مردم به

نقد مردم به آن. در دوره ای که الهیات رهایی بخش به اندازه اسلام سیاسی در قدرت است و در بعضی کشورها حکومت میکند، قطبی است در برابر میلیتاریسم آمریکا، تخصصات دو این قطب تروریستی روزانه به زندگی مردم خون می پاشند و سایه ترس از جنایاتشان را بالای سر کره ارضی گرفته اند اسلام رهایی بخش می خواهد این چهره کثیف اسلامی را رنگین کند. با عروج جنبش اسلام سیاسی، تعداد دارو دسته های اسلامی با تعابیر و تفسیرهای مختلف از اسلام، بیشتر از تعداد دیگر مذاهب دیگر در دنیا است. همه این رگه های اسلامی چپ و راست آن با هر تعبیری که از اسلام دارند کارشان نجات و حراست اسلام است. استراتژی ترور، به جنبشهای اسلامی افق داده است، به جان مردم افتاده اند، انگار فرصت را گیر آورده اند تا تلافی پیشرویهایی هنری و فرهنگی و انسانی را از جوامع بشری بگیرند. در کدام دین و مذهبی الهیات رهایی بخش داریم؟ در کجای دنیا خیری را به مردم رسانده اند؟ شرط رهایی بشر، رهایی از دست الهیات است. اگر کسی رهایی می خواهد چرا از طریق جنبش رهایی بخش و مدرن و انسانی دنبالش را نمی گیرد؟ جنایات غیر قابل وصف جنبشهای مذهبی، مصلحین مذهبی را به فکر اختراع الهیات رهایی بخش و ضد امپریالیست انداخته است، تا مذهب این دشمن انسانیت و دشمن آزادی و پیشرفت جامعه را تطهیر کنند. الهیات رهایی بخش و ضد امپریالیست، بخشی از محصولات قتل عامهای زندانیان، اعدام و سرکوب خونین مردم است. مردم از همه نوع اسلام سیاسی و مذهبی رهایی بخش و غیر رهایی بخش آن، بیزارند.

در ایران هیچکدام از جریانات اسلامی ضد امپریالیست و طرفدار

ندارد. مذهب را مردها و یا خدا بوجود نیآورده اند، بلکه خدا و مذاهب خالق جهالت و عقب ماندگی جامعه بشری است. مرد سالاری بخش جدایی ناپذیر از فرهنگ مذهبی است. در هر دوره ای از تاریخ این خرافه بوسیله جنبشها و نیروهای مختلفی برای دستیابی به اهداف معین و ضدیت با برابری و فرهنگ مترقی تقویت می شوند. هر دین و مذهبی که جهان به خود دیده است، بشدت ضد زن و ضد برابری بوده اند. ضدیت با زن خصلت مشترک کلیه مذاهب چه در زمان ضعف و چه در زمان قدرت آنها بوده است. هر گاه مسیحیت، اسلام، بودایی، یهودی و غیره قدرتی گرفته اند، حملات وحشیانه آنها در درجه اول متوجه زنان بوده است و ماهیت ضد زن خود را به تمامی به نمایش گذاشته اند. مذاهب در وهله اول انسان را در مقابل خدا و الهیات بی اراده میکنند و بدون چون و چرا به قوانین مذهبی تسلیم می کنند و دشمن علم و پیشرفت و فرهنگ سکولار جوامع است.

**بی‌خدایان: بنظر شما آیا مذهب خلقی و ضد امپریالیست و الهیات رهایی بخش با توجه به عواملی مانند تغییرات و صفندیهای جدید ایدئولوژیک در سطح جهان و عروج اسلام سیاسی، همچنان مانند گذشته از زمینه برای تداوم نقش دین برخوردار هستند؟**  
 مجید حسینی: بنظر من مذهب خلقی و الهیات رهایی بخش در این دوره بازارش کساد است و از اقبال چندانی برخوردار نیست. مردم دنیا از دست اسلام سیاسی و جنایات آن به تنگ آمده اند و از ماهیت و معنی مخالفت ارتجاعی آن با آمریکا و غرب آشنایی دارند. الهیات رهایی بخش، فرمولهایی هستند برای حفظ اسلام در برابر



## خدا، دین و حقیقت

در بسیاری از فرهنگها عادی است که جواب داده شود که خدا این جهان را از هیچ آفریده است. اما این یک گول زدن آشکار است. اگر ما مایل باشیم با شجاعت دنبال سوال را بگیریم، ما البته باید بعدا برسیم پس خدا از کجا می‌آید؟ و اگر ما تعیین کردیم که این سوال بی‌جواب بماند چرا یک قدم جلوتر نگذاریم و به این نتیجه برسیم که که جهان همیشه وجود داشته است.

### کارل ساگان

هرچه بیشتر انسان از ترتیب منظم همه رویدادها اشباع میشود، به این بیشتر معتقد میشود که در کنار این ترتیب منظم، اطای برای انگیزه های طبیعی متفاوت خالی نیست. برای او نه حکومت انسان و نه حکومت قادر مطلق میتواند به مانند انگیزه ای مستقل از رویدادهای طبیعی وجود داشته باشد. مطمئنا این دکترین خدای فردی، که در رویدادها دخالت میکند، از درون احساس، توسط علم قابل روفتن نیست. برای این دکترین همیشه ساده است که به قلمروهایی پناه ببرد که دانش عامی هنوز قادر به پا گذاشتن در آن نیست، اما من معتقدم که چنین رفتاری از طرف نمایندگان مذهب نه تنها بی ارزش بلکه مصیبت آمیز هم هست. دکترینی که قرار است فقط در تاریکی از خود مواظبت کند، خواست احتیاج اثر خود را همراه با لطماتی بی شمار بر روی ترقی انسان از دست خواهد داد. معلمین مذهبی در تلاششان برای اخلاق خوب باید قد قامت این را داشته باشند که دکترین خدای فردی را ول کنند، ول کن، همین آن ترس و امیدی را در زمانهای گذشته آنچنان قدرت فوق العاده بزرگی را در دست کشیشان گذاشته بود. و در تقلاهایشان بهتر است که خود را به نیروهایی غنی کنند که قادر به کاشتن خوبی، حقیقت و زیبایی در درون خود انسان هستند. این مطمئنا مشکلتر است اما غیر قابل مقایسه و با ارزش است.

### آلبرت انشتین

بسیاری از مردم در مورد طرفداران تئوری خلقت ساده نگری می کنند و تصور می کنند آنها مردم معمولی انجیل خوان ساکن شهرهای کوچکند که فکر می کنند عمر زمین فقط چند هزار سال است و استخوانهای دایناسورها از دوران طوفان نوح بجا مانده است. خلقت گرایانی از این نوع مطمئنا وجود دارند اما نفوذ آنها در سالهای اخیر کم و کمتر شده و در عوض نوع پیچیده تری به میدان آمده اند که مدافع خلقت هستند اما تلاش می کنند آن را با پوششی امروزی و سکولار به مردم و جامعه تحمیل و قالب کنند.

### اعظم کم گوین

روحانیت مجرد یک ایده خوب است زیرا تمایل دارد که میل ارثی رو به فنا تبسم را سرکوب کند.

### کارل ساگان

این دکترین که زمین مرکز عالم نیست و ثابت نیست، بلکه حرکت میکند و چرخشی روزانه دارد، پوچ و مزخرف است و از لحاظ فلسفی و الهیات جعلی و در آخر یک خطای ایمانی است. (حکم کلیسای کاتولیک بر علیه گالیله)

### گالیله

مذهبی بودن عمیق من در سن 12 سالگی با خواندن کتابهای عامیانه علمی پایانی ناگهانی داشت.

### انشتین

ادعای اینکه زمین به دور خورشید می چرخد مانند غلطی است که مدعی شد مسیح از یک باکره متولد نشده است.

### گالیله

سکولاریسم را باید همانطور تعریف کرد که رایج است. رادیکالیسم زیادی نمیشود به این مقوله الصاق کرد. سکولاریسم یعنی جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. جدا بودن مذهب از هویت شهروندی و تعریف حقوق و اختیارات و وظایف شهروندان. تبدیل مذهب به یک امر خصوصی. وقتی مذهب فرد در تعریف مشخصات اجتماعی و سیاسی او و در تلاقی فرد و دولت و فرد و بوروکراسی وارد تصویر نشود. به این اعتبار سکولاریسم یک مجموعه شرایط حداقل است.

### منصور حکمت

این ایده که خدا مذکری سفید پوست و بزرگتر از اندازه است که با ریشی پیچ در پیچ و آویزان در آسمان نشسته است و واژگون شدن هر گنجشکی را زیر نظر دارد و حساب می کند چرند و خنده آور است. اما اگر منظور کسی از خدا قوانین فیزیکی حاکم بر جهان است، این خدا به روشنی وجود دارد، این خدا عاقتفا قانع کننده نیست، دعا کردن در قوانین جاذبه هیچ تغییری نمی دهد.

### کارل ساگان

تقریبا روشن است که بهشت مذهبی دوران جوانی، چیزی که من از دست داده ام، اولین تقلا بود که خودم را از زنجیرهای "شخصی، فقط، نه بیشتر" آزاد کنم. از وجودی که تحت فرمان، آرزوها، و امیدهای ابتدایی است.

### انشتین

تصدیق اینکه خورشید مرکز عالم است فقط بر روی محور خود می چرخد، بدون حرکت کردن از شرق به غرب بر خورد و رفتاری خطرناک است و نه تنها تحریک کننده فلاسفه و تئولوژیستهای مدارس و آموزشگاهها محسوب می شود بلکه در ضدیت با کتاب آسمانی اسنت و ایمان مقدسمان را جریحه دار میکند. (کار دینال بلار مینو رئیس کالج کلیسای رم که گالیله را برای آثار ستاره شناس اش زندانی و شکنجه کرد.)

### گالیله

شما یک فرد مذهبی را نمی توانید با هیچ چیزی متقاعد کنید. برای آنها ایمان و عقیده اساسش شواهد نیست بلکه اساسش، جایگاه آن نیاز عمیق به ایمان است.

### کارل ساگان

ترجمه: فرزاد نازاری



## نقد برهانهای اثبات وجود خدا

### کارن دیبا از ایران

بحث در مورد خدا ذهن بشر را از گذشته های خیلی دور به خود مشغول کرده و همیشه به دنبال توجیه، تثبیت و یا رد این موجود خیالی داشته و دارد. البته خیالی و یا واقعی بودن خدا در سلسله مقالاتی که از این شماره برای نشریه بیخدایان آماده می کنم

#### ۱- برهان عدالت

بیان برهان: تنها در صورتی عدالت در جهان برقرار خواهد بود که جهان خدایی داشته باشد و دلیل عدالت خداست.

این برهان از دو جنبه مورد بررسی قرار می گیرد. یک اینکه عدالت به مثابه امکان استفاده برابر از مادیات زمینی و آسمانی باشد و دو اینکه عدالت به مفهوم برابری اجتماعی در عصر حاضر در نظر گرفته شود. در مورد اول این برهان می گوید که تمامی موجودات زنده اهم از گیاهان و جانوران و انسانها و حتی بی جانان مثل آسمان و باد و نور خورشید و .... طبق هدایت الهی قرار دارند و هر موجودی به تناسب لیاقت اش از مواهب موجود بهره می برد!

اگر فقط مثال انسانهایش را در نظر بگیریم و از بقیه مثالها مثل باد و

مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این مقالات با نقد برهانهایی که خداپرستان برای اثبات چیزی که می پرستند و منشا حیات می دانند شروع می شود. من بیست مورد برهان اثبات خدا را پیدا کردم که به ترتیب اهمیت آنها را توضیح می

دهم و نقد خود را بر این برهانها می نویسم. البته می دانم که این برهانها شاید از بیست مورد بیشتر باشند اما من این بیست مورد را بیشتر از کتب آموزشی در مدارس و دانشگاهها و ضمنا مهمترین و بحث برانگیزترین هایش را انتخاب کردم.

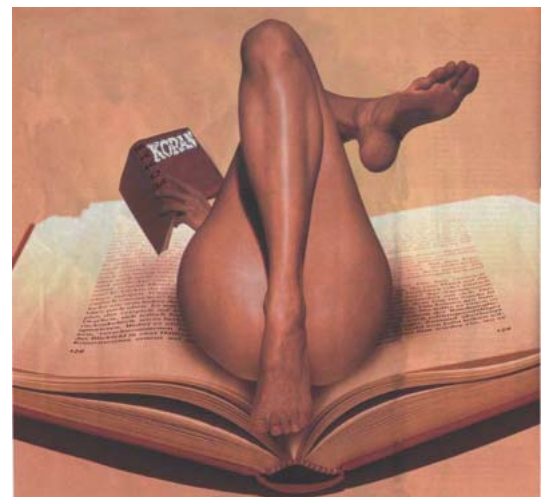
امیدوارم دانش آموزان و دانشجویان عزیز با خواندن این سلسله مقاله بیش از پیش علیه نظام آموزشی که ذهن و شکوفایی خلاقیت هایمان را با اراجیف مذهبی و خرافاتی کور کرده برخیزند و خواستار تغییر

کتابهای درسی و آموزشی با موازین علمی و پایه های منطقی باشند. بعد از نقد برهانهای اثبات وجود خدا به بحثی کوتاه در مورد چگونگی به وجود آمدن خدا و تأثیرات مخرب آن بر زندگی انسانها می پردازم که البته با توجه به موجود و در خور بودن این مطالب در نوشته های دیگر نویسندگان بیخدایان زیاد مفصل نخواهد بود و در پایان هم فرق بین آگنوستیک ها و آتئیست ها را ذکر می کنم.

کروموزومها و دی ان ای موجود بر آنها ندانسته و به این نتیجه رسیده که این شباهت از وجود کسی به اسم خداست که با آب و گل و روح مقدس همه انسانها را شبیه هم آفریده و به آن اسم عدالت الهی داده است. ضمنا چون در عصری که این برهان به نقل از خدا گفته میشود چون انسانها معمولا تمام نیازهایشان را خود به وسیله طبیعت مرتفع می کردند این را هم عدالت الهی برای رفع نیازهای انسانها نامیده شده است. در این قسمت برهان "عدالت تراشی" شده و با دلایل مادی موجود به یک عدالت صوری رسیده و آنرا به خورشیدی که می پرستیده، بتی که مقابل اش بوده و خدایی که بالای سرش فرض می کرده منتصب (همانطور که الان عدالتی در کار نیست). بودن اش و تأثیرات بسیار زیادی که دارد بر زندگی مادی و اجتماعی انسانها مربوط می شود. وقتی که انسانها به شکل اجتماعی تر از قبل شدند و تاریخ سیری می شد انسانها فرقی را بین خود و ارباب شان، فئودال مسلط بر خودشان و ... حس کردند اما چون مذهب و اعتقاد به خدا همیشه حس کرخ بودن را به همراه دارد در ذهن فرو می کردند که عدالت

چیزی ورای عینیتی است که می بینید و خدا بانی عدالت است. عدالت به مفهوم برابری اجتماعی موجودی خلقی بر خلاف ادعای خداپرستان نیست بلکه نتیجه منطقی سیستمی است که به برابری اعتقاد داشته باشد و آنرا در عمل و با پایه های اقتصادی اش اجرا نماید. عدالت در جهان حاضر یک موجود ذهنی و ایده آلی در ذهن است و به وسیله ایده آلیست ها (خداباوران) پایه های غیر مادی یافته و این خطرناک است چون چیزی که ذهنی بشود و پایه مادی نداشته باشد هیچوقت به دست نمی آید. در حال حاضر اصلا عدالتی وجود ندارد که خدا بخواهد بر دوش آن سوار شود. انسانی که در جهانی پر از فقر، نابرابری و گرسنگی و فقر احساس تنهایی و ایزوله شدن و بی پشتوانگی می کند ممکن است نتواند قبول کند که بی عدالتی محض بر جهان حکمفرماست و بخواهد به خود دلخوشی بدهد اما این به معنی وجود عدالت نیست. مسئله این است که وجود عدالت الزامی نیست (همانطور که الان عدالتی در کار نیست). بودن اش و تأثیرات بسیار زیادی که دارد بر زندگی اجتماعی مادی و اجتماعی انسانها مربوط می شود. وقتی که انسانها به شکل اجتماعی تر از قبل شدند و تاریخ سیری می شد انسانها فرقی را بین خود و ارباب شان، فئودال مسلط بر خودشان و ... حس کردند اما چون مذهب و اعتقاد به خدا همیشه حس کرخ بودن را به همراه دارد در ذهن فرو می کردند که عدالت

## بی خدایان را تکثیر و پخش کنید!



## اعظم کم‌گویان

## تفاوت نقش مذهب در زندگی اجتماعی در اروپا و آمریکا

نقش مذهب در اروپا و آمریکا در آمریکا تجربه نقش مذهب در دارای تفاوت‌های بارزی است. اروپا زندگی اجتماعی کاملاً متفاوت تجربه مبارزه و کشمکش دولت و کلیسا را بخصوص از عصر جنبش روشنگری به این سو را از سر گذرانده که منجر به اعمال محدودیت‌هایی بر مذهب و کلیسا و برپایی دولت‌های سکولار شده است. البته دستگاه کلیسای کاتولیک و پروتستان تلاش می‌کنند این محدودیت‌ها را بشکنند و نفوذ و قدرت از دست رفته خود را برگردانند. تلاش برای گسترش مدارس مذهبی و گنجاندن اصول مذهبی در قانون اساسی اروپای واحد و آموزش تئوری خلقت در مدارس و دادن تسهیلات به دستگاه مذهب از زمره این تلاش‌ها هستند. در طرف مقابل هم یک تلاش بی‌وقفه برای سکولاریزه کردن جامعه و برای در قفس کردن دین وجود دارد و این مضمون یکی از کشمکش‌های اجتماعی در جامعه معاصر ماست.

در آمریکا تجربه نقش مذهب در زندگی اجتماعی کاملاً متفاوت است. آمریکا توسط نیروهای پیوریتن یا تنزه طلب مذهبی ساخته شد که از فشار و آزارهای مذهبی در اروپا گریخته و بدنبال آزادی مذهبی برای خود بودند. از این رو آزادی مذهب و آزادی مذاهب گوناگون جایگاه مهمی در زندگی اجتماعی در آمریکا دارد و در عین حال که یک دکترین و اصل قوی جدایی بین دین و دولت در این کشور حاکم است. زندگی اجتماعی مردم در آمریکا در مقایسه با اروپا بسیار از مذهب یا بهتر بگوئیم مذاهب تاثیر و نفوذ پذیرفته است اما این یک مذهب معین و رسمی و سیاسی حاکم نیست. در آمریکا کلیه مذاهب بطور سازمان یافته و فعالانه نقش دایره نفوذ و تاثیر و امکانات اجتماعی و سیاسی و مالی خود را افزایش می‌دهند. صنعت مذهب و مذاهب سازمان یافته ادیان را

وسیعاً در زندگی اجتماعی مردم دخیل کرده اند بدون اینکه هیچ دین خاصی را حذف کنند یا تحت فشار و محدودیت قرار بدهند یا بعنوان دین رسمی برسمیت بشناسند. این اصلی ترین تفاوت آمریکا با اروپا می‌گذارند. در زمینه جایگاه مذهب در زندگی اجتماعی است. ترند خاصی که هم در اروپا و هم در آمریکا برجسته است جنبش اسلام سیاسی و صنعت سازمان یافته اوانجلیسم پروتستان است. اینها در مورد اولی راه خود را با ترور و وحشیگری و فشار و در اختیار گذاشتن امکانات مالی و تسهیلات برای جذب مردم بخود استفاده می‌کنند و در مورد دومی با امکانات وسیع مالی و لابی کردن و داشتن نفوذ و قدرت در مراجع دولتی و فراکشوری و بین المللی مانند اروپای واحد و سازمان ملل و امثال آن نفوذ خود را گسترده می‌کنند. این جنبش‌ها اگر هم خود رسماً در قدرت دولتی

نیاشند در یک ائتلاف نزدیک سیاسی با نیروهای دست راستی قرار دارند و برای بقدرت رسیدن جریان‌های ارتجاعی دست راستی همه جانبه فعالیت می‌کنند و می‌گذارند. سوال بزرگ قرن 21 سکولار این است: آیا مذهب باز می‌گردد؟ باید گفت آری دین بازگشته است. مدرنیسم و پیشرفت علم و تکنولوژی و آموزش مردم بخودی بخود قادر به مقابله با مذهب و سکولاریزه کردن جامعه نیستند. پیچیدگی روز افزون زندگی و ناتوانی بشر در پاسخگویی به این پیچیدگیها در اداره زندگی و امور خود و در تامین رفاه و آینده ای بهتر و در خواستن و یا نتوانستن نیروهای سیاسی موجود برای کنار زدن دین و سکولاریزه کردن جامعه است.



## عضو انجمن بی‌خدایان بشوید!

## برای رهایی از سلطه اسلام

## و اسلام زدایی از ایران به ما پیوندید!

مردم به تنگ آمده از اسلام،

بی‌خدایان! آزاد اندیشان!

انجمن "بی‌خدایان" می‌خواهد سخنگوی جنبش ضد مذهبی باشد که برای رهایی از اسلام و اسلام زدایی از ایران و خلاصی از یوغ دین مبارزه می‌کند. جنبشی که علیه حاکمیت اسلام و خدا و حکومت آنها بر انسان است. جنبشی که اصالت انسان را در مقابل دین و خدا قرار می‌دهد و آنها را از زندگی و جامعه جارو می‌کند. ما می‌خواهیم در مقابل کلام و قانون خدا و آیت الله، در مقابل قانون سنگسار و منکرات و تغزیرات و عزاداری و حجاب و آپارتاید جنسی- کلام و قانون انسان و آزادی او را قرار دهیم. ما پرچم دفاع از حرمت انسان را با دفاع از او در مقابل دین، اسلام و خرافات بلند می‌کنیم.

مردم! عضو انجمن بی‌خدایان شوید و بی‌خدایی را به هر شکلی که می‌توانید تبلیغ کنید!

نشریه بی‌خدایان را تکثیر و پخش کنید و بدست دیگران برسانید! با ما تماس بگیرید به ما پیوندید و جنبش رهایی از اسلام و بی‌خدایی را گسترش دهید.

## اعظم کم‌گویان

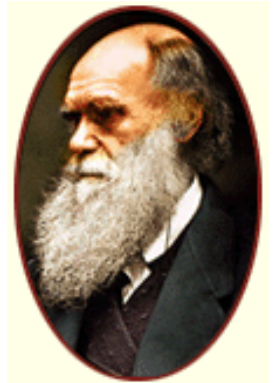
## انجمن بی‌خدایان

azam\_kamguian@yahoo.com

www.bikhodayan.com

http://www.bi-khodayan.blogspot.com/

## زنده باد داروین و تئوری تکامل!



مطالعه فیزیکی بدون قوانین نیوتون یا مطالعه شیمی بدون مطالعه خواص عناصر شیمیایی است. تحقیقات اخیر در عرصه ژنتیک بخصوص نقشه ژنتیکی بدن انسان نشان می‌دهد که کلیه انسانها در اساس یکسان هستند و بطور ژنتیکی به یکدیگر و به سایر موجودات زنده وابسته اند. امروز اعتبار تئوری تکامل داروین در درک و برداشت ما از مکانیسم مولکولی ژنتیک نهفته است.

داروین سمبل با ارزش و نشانه رابطه جهانی بین بشریت و علم است که می‌کوشد پیوندی دائمی و همیشگی بین نوع بشر بوجود آورد.

فوریه ماه داروین است: تولد داروین دانشمند بزرگ. پدر علم تکامل. در این ماه با برپایی جلسات سخنرانی بحث برگزاری نمایشگاهها و جشنوارها و نمایش فیلم داروین مورد تقدیر قرار می‌گیرد و بخصوص بر اهمیت مبارزه و تلاش برای اشاعه و تحکیم و دفاع از تئوری تکامل در مقابل صنعت مذهب تاکید می‌شود.

نفوذ داروین بر تفکر بشر برجسته است بطوریکه مطالعه بیولوژی بدون تکامل مانند

## در نقد اسلام و دفاع از سکولاریسم و جهانشمولی حقوق زنان

- رنوس فعالیت‌های ۶ ماهه کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه**
- مضمون و محتوی فعالیت‌های ما در نقد اسلام، دفاع از آزادی و حقوق جهانشمول زنان، علیه اسلام سیاسی و قوانین اسلامی و خشونت علیه زنان بوده است.
- سخنرانی‌های مسئول کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه:**
- \* سخنرانی درباره حقوق گروهی و حقوق جهانشمول در کنفرانس "خشونت به زن و قتل‌های ناموسی موقوف" در لندن - بریتانیا
  - \* سخنرانی در مورد خشونت در عشق و رابطه جنسی در فرهنگ شرقی در کنفرانس بین‌المللی علیه قتل‌های ناموسی در استکهلم - سوئد
  - \* سخنرانی درباره اسلام سیاسی در کنفرانس سالانه سازمان جوانان آزاد اندیش - فرانسه
  - \* سخنرانی درباره حقوق جهانشمول انسان و مولتی کالچرالیسم در کنفرانس بین‌المللی علیه قتل‌های ناموسی در استکهلم سوئد
  - \* سخنرانی درباره اسلام و رهایی زنان در خاورمیانه در گردهمایی سالانه و سراسری سازمان‌های اومانیت، سکولاریست و خردگرای بریتانیا
  - مصاحبه‌های اعظم کم‌گویان با رسانه‌ها:**
  - مصاحبه با رادیو صدای ایران درباره اسلام، فمینیسم، خشونت به زن و موقعیت زنان در ایران
  - مصاحبه با تلویزیون جی.ان.ان. آمریکا
  - مصاحبه با شو تلویزیونی چارلی روز - آمریکا
  - برنامه رادیویی آرنی آرنسون - آمریکا
  - مصاحبه با شو تلویزیونی تمی تاک - واشنگتن آمریکا
  - دفاع از حقوق زنان و دختران در خانواده‌های مهاجر و مسلمان:**
  - در این دوره مانند گذشته ما با نوشتن نامه‌های حمایتی متعدد برای زنان پناهنده و مهاجر، دادن مشاوره به وکلا و مددکاران تلاش کرده ایم از حقوق زنان و دختران خانواده‌های مهاجر مسلمان دفاع کنیم. ما مراجعات متعددی از کشورهای هلند، کانادا، ترکیه و ایرلند و پاکستان و ایران داشته ایم.
  - بولتن‌های زنان در خاورمیانه که در ۴۱ شماره منتشر شده اند ابزار موثری در روشنگری درباره موقعیت زنان و دختران جوامع مسلمان نشین بوده اند. این بولتن‌ها همچنین توسط نهادهای پناهندگی و زنان و وکلا و روزنامه نگاران محققین مسائل زنان و مهاجرت وسیعاً استفاده شده اند.
  - نشریات، نهادها و سایت‌هایی که مقالات و سخنرانی‌های اعظم کم‌گویان را درج کرده اند:**
  - خبرگزاری رویترز
  - سایت UNHCR بخش پناهندگی سازمان ملل
  - سایت تلویزیون الجزیره
  - مجله - Nation آمریکا
  - کتابخانه دانشگاه ایالتی جورج تاون - آمریکا
  - کتابخانه دانشگاه استنفورد - آمریکا
  - کتابخانه دانشگاه هایلبرگ - آلمان
  - کتابخانه دانشگاه ایالتی سن خوزه - کالیفرنیا - آمریکا
  - کتابخانه اینترنتی خاورمیانه - آمریکا
  - سایت اوپن دمکراسی (دمکراسی باز) - آمریکا
  - یاهو نیوز - بریتانیا
  - سایت تلویزیون کانال ۴ - بریتانیا
  - سایت روزنامه ایندپندنت - بریتانیا
  - مجله فیلسوف (فیلسوف ماگازین) - آمریکا
  - سایت دیدگاه‌های سوئدی - فنلاندی
  - روزنامه سونسکا داگ بلاد - سوئد
  - شبکه اتصال اینترنتی کالج‌ها - آمریکا
  - سایت دایره المعارف - آمریکا
  - مجله آته ایستهای آمریکا
  - تیسکالی نیوز -
  - فصلنامه جامعه باز - نیوزیلند
  - مجله کمون لینشوپینگ - سوئد
  - وب سایت سکولاریستی و علمی چرخها و پروانه‌ها - آمریکا
  - وب سایت همبستگی با عراق - فرانسه
  - اسلام ریویو - آمریکا
  - پی نیوز دات کام - آمریکا
  - کتابفروشی اینترنتی قفسه کتاب - آمریکا
  - نشریه اتیکال رکورد - بریتانیا
  - فصلنامه عربی النسا - بریتانیا
  - مجله کرونگرام - آمریکا
  - سایت خبری - تبلیغی حقیقت - آمریکا
  - سایت مسائل زنان - فرانسه
  - فوروم علیه اسلامیزه کردن - دانمارک
  - ال.ای. او سایت اصلی خبری و اطلاعاتی آفریقای جنوبی
  - سازمان خردگرایی بین‌المللی - هند
  - سایت جمهوری آزاد - آمریکا
  - سایت سازمان‌های غیر دولتی - ویتنام
  - فصلنامه انستیتیوی آزاداندیشان - کانادا
  - سایت ارتداد از اسلام - آمریکا
  - سایت پروژه مسلمان
  - سایت انجمن اتیکال - بریتانیا
  - موسسه اتیک انسان - نروژ
  - سایت دایره المعارف
  - سایت فرهنگ و جغرافیا
  - اسلام انستیتیو - آلمان
  - سایت راه ایمان - آمریکا
  - وب سایت جهاد آمریکائی
  - سازمان ائتلاف کانادایی
  - سایت لندن مرکوری
  - روزنامه دانشجویی دانشگاه توواد در لاس وگاس - آمریکا
  - سایت فرانسوی "خود را بیان کن" - فرانسه
  - دهها وب سایت و وب لاگ شخصی به زبان‌های هلندی، فرانسه، دانمارکی، آلمانی، سوئدی، انگلیسی و فارسی
  - کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه**

## جنون خشونت در قرآن

### بهرام صالحی از ایران

در اسلام با خداوند جنایتکاری مواجه هستیم که سرشناس‌ترین جنایاتکاران تاریخ بشریت در مقابلش رو سفیدند . قهارترین شکنجه‌گران است بی‌رحمترین جلادان است . هولناک‌ترین موجودات است که خود بارها در بیش از 50 آیه از قرآن تاکید میکند که از من بترسید :

و از من بترسید اگر اهل ایمانید (آل عمران 175)

در قرآن لغت هلاک کردن 73 بار در بیش از 60 آیه به اشکال مختلف آن به کار رفته است :

یهلک 5 - هلك 4 - اهلکنا 17 - مهلك 3 - یهلکون 2 - نهلک 2 - المهلکین 1 - فاهلکنا 1 - فاهلکلو 2 - اهلکت 1 - فاهلکه 1 - فاهلکناهم 3 - اهلکناه 4

مهلکی 1 - اهلک 8 - مهلوکوا 1 - نهلکنا 1 - مهلکم 1 - فتهکلنا 1 - لیهلک 2 - مهلکوها 1 - اهلکناهم 4 - یهلکنا 1 - اهلکنی 1 - لنهکن 1 - التهلکنا لمهلکهم 1 - هالک 1 - اهلکنهم 1

که خداوند در آنجا به شرح سرگذشت اقوام و مردمانی که آنها را قتل عام کرده است ، میبردازد :

چه بسیار اهالی شهرها که بر هلاک آنها عذاب فرستادیم آنگاه که در آسایش شب یا خواب صبحگاه بودند (اعراف 4)

پیش از اهل مکه هم ما اهل شهری که ایمان نیاوردند ، همه را هلاک کردیم ، آیا اهل مکه ایمان خواهند آورد (انبیاء 6)

و اهل دیاری که ما هلاک گردانیدیم زندگانی بر آنها حرام و هرگز به دنیا باز نخواهند گشت (انبیاء 95)

آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم (مرسلات 16)

و از پی آن هم قومی دیگر را (53)

نیز هلاک میکنیم (مرسلات 17) آیا اینان بهترند یا قوم ثُبَع و اقوام ما برای هر یک از این طوایف پند ها و مثلها زدیم و همه را هلاک کردیم (فرقان 39)

و ما اقوام و مللی را پیش از شما به کيفر ظلمشان سخت به دست هلاکت سپردیم و با آنکه پیامبرانی با آیات و معجزات بر آنها آمد باز هیچ ایمان نیاوردند ، ما هم اینگونه مردم عنود زشت بد عمل را به کيفر میرسانیم (یونس 13)

چه بسیاری از ملل و اقوامی را بعد از نوح به جرم کفر و عصیان هلاک کردیم (اسراء 17)

هیچ شهر و دیاری در روی زمین نیست جز آنکه پیش از ظهور روز قیامت اهل آن شهر را یا هلاک کرده یا به عذاب سخت معذب میکنیم ، این حکم در کتاب علم ازلی حق مسطور است (اسراء 58)

در صورتی که ما پیش از این با کافران چه کرده ، بسیاری رت که دارا تر و خوشتر بودند همه را هلاک گردانیدیم (مریم 74)

و چه بسیار اقوامی از اهل عناد را که پیش از این معاندین هلاک ساختیم ، آیا چشم تو دیگر به احدی از آنها خواهد افتاد ، یا کمترین صدایی از آنان در دنیا تا ابد خواهی شنید (مریم 98)

همانا ما پس از آن که طوایفی از امم گذشته را به کيفر کفر هلاک کردیم به موسی برای بصیرت و رحمت و هدایت خلق کتاب تورات را عطا کردیم باشد که مردم را خداپرستی پیش گیرند (قصص 43)

آیا آن طوایف و قبایلی را که ما پیش از این مردم کنونی هلاک کردیم و اینان به جای آنها رفت و آمد میکنند ، هلاک آنها موجب هدایت و عبرت اینان نگردید ، البته در این هلاک آیات پند و عبرت است آیا باز هم سخن نمیشنوند (سجده 36)

خدا قوم عاد را در اول هلاک ساخت (نجم 50)

خدا قوم ثمود را هلاک ساخت (نجم 51)

و پیش از اینان قوم نوح را هلاک ساخت (نجم 52)

خدا قوم لوط را هلاک ساخت (نجم 53)

نیز لغت عذاب به معنی مجازات و شکنجه به تعداد 365 مرتبه در مجموع بیش از 300 آیه در اشکال مختلف آن به کار رفته است :

عذاب 154 - العذاب 86 - یعذب 9 از پی گردنکش عنود آتش دوزخ خواهد بود و آب که می آشامد ، آب تعذب 1 - معذبین 1 - تعذب 1 - یعذبهم 1 - تعذب 1 - لعذاب 5 - عذابه 3 - معذبهم 2 - لیعذب 1 - معذبوها 1 - کشیده شود ( مؤمن 71)

عذاب 1 - معذبین 1 - تعذب 1 - یعذبهم 1 - تعذب 1 - لعذاب 5 - عذابه 3 - معذبهم 2 - لیعذب 1 - معذبوها 1 - کشیده شود ( مؤمن 71)

عذاب 154 - العذاب 86 - یعذب 9 از پی گردنکش عنود آتش دوزخ خواهد بود و آب که می آشامد ، آب تعذب 1 - معذبین 1 - تعذب 1 - یعذبهم 1 - تعذب 1 - لعذاب 5 - عذابه 3 - معذبهم 2 - لیعذب 1 - معذبوها 1 - کشیده شود ( مؤمن 71)



شما ای گمراهان از درخت زقوم انسانها میدهد : آیه خداوند مستقیماً امر به کشتن تلخ جهنم خواهید خورد تا آنکه هر جا مشرکان را یافتید به قتل شکم را از آن پرسازید ( واقعه 52-53 ) رسانید و از شهرهایشان برانید (بقره 191)

آنگاه همه از آب گرم جهنم مینوشید بدانسان که شتران تشنه آب می آشامند (واقعه 54-55)

تا به حمیم دوزخ در افکنند سپس در آتش افروخته شوند ( مؤمن 72 ) و با آنان کارزار کنید تا خدا آنان را بدست شما عذاب کند و خوار گرداند (توبه 14)

آنان در دین شما تمسخر و طعن زنند ، آنان را بکشید که آنان را سوگند استواری نیست ، تا از ترس شمشیر از طعن زدن به اسلام بس کنند ( توبه 12 )

خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده ، آنها که در راه خدا جهاد کنند و دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند ( توبه 111 )

ای اهل ایمان هر که از اهل کتاب ( یهودی و نصاری ) که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده ، حرام نمیدانند بکشید تا آنگاه با نلت تواضع به اسلام جزیه دهند ( توبه 29 )

و یهود و نصاری گفتند مسیح پسر خداست این سخنان را که اینها بر زبان میرانند خود را به کیش کافران مشابه میکنند ، خدا آنان را بکشد ( توبه 30 )

ای اهل ایمان با کافران از هر که به شما نزدیک تر است شروع کنید و آنان را بکشید ، و باید کفار در شما درستی و نیرومندی و قوت پایداری حس کنند و بدانید که خدا همیشه یار پرهیزکاران است ( توبه 123 )

اگر در راه خدا کشته شوید به سوی خدا گردآورده میشوید ( آل عمران 158 )

اگر در راه خدا کشته شوید در آن جهان به رحمت و آمرزش خدا نائل شوید و ان بهتر از هر خداوند زدن زنان را توسط مردان مجاز دانسته است :

زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید ابتدا آنان را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنان دوری کنید ، اگر مطیع نشدند

آنان را به زدن تنبیه کنید ( نساء 34 )

شمار آیه های خشونت آمیز ، که در ارتباط با کشتن ، عذاب و شکنجه دادن ، قتل عام کردن است از 700 آیه تجاوز میکند .

بیش از 50 درصد از 3000 مجموع آیه های باقیمانده قرآن نیز به نوعی در ارتباط با آیه های خشونت آمیز اند .

بطوری که به سختی امکان پذیر است صفحه ای از این کتاب را باز کرد و آثاری از خشونت و وحشیگری در آن نیافت .

وای بر ما که این کتاب شیطانی را در ایران و سایر کشور ها در مدارس به کودکانمان آموزش میدهند . 1400 سال است این کتاب بر زندگی میلیاردها انسان تاثیر گذار است ، در طول تاریخ صدها هزار انسانها را کشته و میکشد ، امروز جهان با پدیده هولناک تروریسم اسلامی روبروست که جان انسانها را در هر گوشه از جهان تهدید میکند .

اسلام در حاکمیت را مردم ایران سالهاست تجربه میکنند و همه ی ما دست و پا بریدن ها ، سنگسار کردن ها و اعدام های حکومت اسلامی را در خیابان در ملا عام دیده ایم . تنها ایران نیست ، نکبت اسلام در حاکمیت در بسیاری کشورهای دیگر نیز حاکم است .

اما انسانیت و آزادی هرگز در هیچ کدام از دوران ها و تا امروز در برابر اسلام سکوت نکرده است و مبارزه برای نابودی این افيون هولناک تا پایان ادامه خواهد داشت .

مردم جهان برای رسیدن به یک دنیای بهتر ، به دنیایی که انسانها یکدیگر را نمیکشند ، برای رسیدن به صلح و آسایش ،

تیشه برداریم و بر ریشه مذهب زنیم .

iron\_1976\_maiden@yahoo.com

http://bahram1976.blogfa.com/

## نامه های شما

سعید حکمت از ایران

سردبیر محترم نشریه بی خدایان با سلام. من و دخترم مقاله ای که در باره روزنامه یولاند در بی خدایان 24 منتشر کرده بودید خواندیم. ما هر گونه تعرض به آزادی بیان را که حقوق پایه ای انسان است را محکوم می کنیم. هیچکس در هیچ مقامی حق ندارد آن را پایمال کند. هیچ تفکر واپسگرایی حق ندارد جان انسانها را به بازی بگیرد. هر انسانی حق دارد نظر خود را در نشریه و هر جایی منتشر کند حال اگر به مغز کسی خوش نیامد حق ندارد به این آزادی تعرض کند. همه انسانها باید این حق را داشته باشند اراده و سرنوشت خود را تعیین کنند. محمد جنایتکاری بود که خود 20 زن رسمی و دهها زن صیغه داشت. این زنها که ویتترین مغازه نبودند او آنها را برای شهوت جنسی می خواست. او حتی به دختر بچه نه ساله ای مانند عایشه رحم نمی کرد. الان بدن نکبتش پوسیده و با تلی خاک قاطی شده. چرا محمد زنده نمی شود اگر خدا با اوست؟

این نامه جهت حمایت از روزنامه یولاند و دفاع از آزادی بیان است.

ریویار آزادی از ایران

لطفاً به این سوالات پاسخ دهید:

1: نقش اسلام و مکتب مارکسیسم در پرورش انسان یا در خوشبختی آنها

2: آیا اگر خواستگاری از طرف دختر باشد اشکال دارد؟ اگر جواب مثبت است چرا؟

3: آیا اسلام مخالف این امر است؟

مهرداد مهر از ایران

خانم کم گویان! با سلام و عرض ادب خدمت شما و همکارانتان. شما عزیزان که برای به هوش آوردن افرادی که در بیهوشی دینی هستند سعی و تلاش می کنید. خسته نباشید.

باید بگویم افرادی هستند که می بینند و می شنوند ولی نمی خواهند حقایق را درک کنند. گفتن این عبارت صحیح نیست ولی بگذارید بگویم این افراد همانند گوسفندانی هستند که به دنبال گرگانی چوپان نما روان هستند.

آنها می گویند اسلام دین آزادی و برابری است که در آن همه یکسان هستند و برده و کنیز داری گناه است. به این افراد باید گفت شما با این که می بینید ولی کورید و گرنه در کتاب مقدس قرآن می خواندید که چگونه برده داری را آزاد و تشویق کرده در سوره نسا آمده "ازدواج با زنان شوهر دار بر شما حرام شد مگر زنانی که در جنگها مالک و متصرف شده اند" و همچنین می خوانید "اگر توان مالی برای ازدواج ندارید کنیزان خود را عقد کنید"

و همچنین در سوره احزاب آیه 29 آمده "ای پیغمبر ما زنانی که مهرشان را ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که بغنیمت خدا نصیب تو کرد و ملک تو شد"

خانم کم گویان! امیدوارم چشم و گوش این گوسفندان انسان نما باز شود و حقایق را درک کنند.

دیوید تولد از آمریکا

من با علاقه فراوان مقاله شما با عنوان "هالاکاست خاموش" را خواندم و در تعجبم که چگونه با تجربه و توصیفات و تصریح شما در مورد

باصطلاح "جهان اسلامی" چرادر مصر علیرغم شکوفایی آن نیروهای اسلامی اینگونه بسرعت قدرت می گیرند؟

صلاح ابو معاد از فرانسه

با سلام اجازه بدهید خودم را معرفی کنم: یک دانشجوی الجزایری هستم که در فرانسه تحصیل میکنم و دارای دانشنامه لیسانس در روانشناسی هستم و مشغول فوق لیسانس هستم. بخشی از تز فوق لیسانس من به مساله قتلهای ناموسی اختصاص دارد. به کمک شما در زمینه رویکردها و تئوریهایی که در مورد پدیده قتلهای ناموسی وجود دارد نیازمندم. با تشکر قبلی از شما.

احتشام علی از بریتانیا

چرا یک تصویر منفی از اسلام هنگامی که در باره مسلمانان صحبت می کنید و نه اسلام در وب سایت خود منعکس می کنید؟ چیزهایی که شما درباره اسلام می نویسد در اسلام تجویز نشده اند بلکه مردم آنها را انجام می دهند. اینها چیزهایی نیستند که اسلام تعلیم می دهد.

لاویزا شریف از آمریکا

اعظم عزیز من برخی از مقالات و سخنرانیهای شما روی سایت زنان در خاورمیانه مطالعه کردم و از شجاعت و جسارت شما بوجد آدمم. بحثهای شما بسیار آموزنده و مملو از حقیقت بودند. و شجاعت شما را نشان می دهد که از خطر کردن جان خود برای گفتن حقیقت باکی ندارید.

من در ایالات متحده بدنیا آمدم اما گویی همیشه یک زندگی دوگانه دارم. زمانی که با دوستان مسلمان پاکستانی هستم باید وانمود کنم مسلمان هستم با وجود اینکه آنها مسلمانان سنتی نیستند. وقتی با دوستان آمریکایی و غیر مسلمان خود هستم می توانم خودم باشم و هر طوریکه می خواهم رفتار کنم. اما من هیچگاه نمی توانم صد در صد سفید پوست آمریکایی باشم. اما از درون من با آنچه که شما نوشته بودید یعنی "زندگی بدون همه ادیان برای بشر سعادت آمیز می بود" خود را تداعی می کنم. وقتی که همه ادیان ادعا می کنند تنها راه رسیدن به بهشت هستند و پیروان خود را با نام دین و خدا سلاخی می کنند.

اما اگر خدا وجود نداشت چه؟ اگر الله نبود چه؟ چگونه مسلمانان ادعا می کنند تنها کسانی هستند که بلیط ورود به بهشت را دارند؟

اعظم عزیز! آیا تصمیم ندارید برای ارائه چند سخنرانی به ایالات متحده بیابید؟ اینکار بسیار لازم است و از صمیم قلب می خواهم شما را ملاقات کنم.

ویویان دالس از فرانسه

اعظم عزیز بگذارید خودم را معرفی کنم: من یک روزنامه نگار عکاس از فرانسه هستم و بدنیاال راهنمایی و کمک شما برای کار روی پروژه زنان فلسطینی با شما تماس می گیرم. من تصمیم دارم به فلسطین بروم و در مورد زنان فلسطینی که زندگی خود را وقف مبارزه برای آزادی خود و سرزمینشان می کنند و در عین حال کودکانشان را آموزش می دهند و فداکاریهای بسیاری می کنند از زندگی رومزه شان گزارش تهیه کنم. همانطور که می دانید رفتن به آنجا سخت است از این رو دست کمک به سوی شما دراز می کنم. آیا علاقمندید به من کمک کنید؟ قبلا از کمک و زحمت شما تشکر می کنم.

## زنده باد بی خدایی

## "پایان دین" معرفی کتاب

سام هریس

اعظم کم گویان

"پایان دین" نوشته سام هریس هنگامی که سال گذشته در آمریکا منتشر شد غوغایی بپا

کرد. اکنون این کتاب با جلد شمیمز منتشر شده است. "پایان دین" نمی توانیم دیدگاههایی که یک خدا را در مقابل خدای دیگری بعنوان رویارویی دین و انسان در دنیای امروز ارائه میکند. سام هریس در این کتاب گذاری تاریخی و زنده از تمایل انسان برای تسلیم کردن عقل به اعتقادات مذهبی (که برای توجیه رفتار ضد انسانی و جرائم وحشتناک بکار میروند) را مطرح می کند. سام هریس می گوید در دنیای امروز که دین به سلاح کشتار جمعی تبدیل شده است دیگر از مدارک عملی جدید در باره علم شناخت اعصاب و فلسفه استفاده می کند تا ثابت کند که معنویات و نیازهای روحی انسان دارای مبنای بیولوژیکی در مغز انسان هستند. "پایان دین" خطرهای صنعت مذهب را بدون واهمه و با قدرت دین بها بدهیم و آن را تحمل کنیم. تمام بحث می کند. کتابی که می در عین حال که سام هریس در مورد نفوذ عمیق صنعت مذهب در از انتقاد به دین مصون و سیاست در "پایان دین" می نویسد ایزوله نگه دارد را ویران کند.

## آیا اعتقاد به دین برای فرد از نظر روانی مفید است؟

رضاسروش از ایران

امروزه گاهی در رسانه های من نیم در خور این مهمانی گند و ارتجاع از زبان پزشکان و مردار تورا ارزانی روانشناسان مرتجع شنیده میشود هیچ چیز خوشتر و لذیذتر از که کسانی که به خدا و زندگی بعد زندگی نیست. وعده نمردن از مرگ معتقدند کمتر دچار بزرگترین دلخوشی است که بیماریهای قلبی میشوند و میتوان تصور کرد. اما این بیماریهای آنها زودتر درمان دلخوشی آفت زندگی است چون میشود و یا بیشتر عمر میکنند بزرگترین بی احترامی و توهین به زندگی است. کسی که تصور میکند این موضوع پیش از هرچیز من را بعد از مرگ دوباره زنده میشود به یاد داستان کلاغ و عقاب می آرزش زندگی را نمیداند و نمیفهمد اندازد: عقاب از کلاغ راز طول که زندگی چقدر عزیز است برای عمرش را میبرد و کلاغ میگوید همین آنرا هدر میدهد و کیفیت بلند پروازی نکن و مردار بخور تا زندگی خودش و هموعانش برای او مهم نیست. او زندگی واقعی دنیا و مرگت زیاد شود سبب عقاب را به لجنزاری که آنرا را فدای زندگی موهوم بهشت سفره مینامد دعوت میکند و از او میکند و به زندگی خود و دیگران می خواهد که شروع به خوردن کند لطمه میزند. و از این نعمت فراوان بهره گیرد اعتقاد به دین و خرافات مذهبی عقاب که عمری در اوج زیسته به چون منشا اضطراب و ترس دوزخ این حقارت تن نمیدهد و میگوید: است مرگ را بسیار ترسناکتر از آنچه که هست مینماید. بنابر این و شناخت صحیح به ضرر آدم تمام بیماران بی اعتقاد به علت اضطراب کمتر محکمتر و متین تر است. حتما برای شما هم اتفاق افتاده با مرگ مواجه میشوند و چون از قبل مرگ را به عنوان یک واقییت پذیرفته اند کمتر از معتقدین حالی که اگر آن موضوع را متزلزلند. اگر به تاریخ رجوع کنید در همین صدسال اخیر میبینیم که مبارزان بی دین شجاعتر و سوال نمیبرد و کودن بودن را تایید جانبرکفتر از دینداران بوده اند. دینداران اگر هم حرکتی کرده اند به امید بهشت یا ترس از دوزخ بوده و گر نه از خود جراتی نداشته جا ممکن است مضر باشد در مقابل اند. بهر حال امید برگشت به در هزاران جا مفید است. بیخبری از بطلان افسانه های اطلاعات او از وضعیت بیماریش مذهبی ممکن است در مواقعی بستگی دارد و چه بسا اطلاعات استثنایی آنهم به ندرت و آنهم برای غلط بیمار باعث کم یا زیاد شدن فرد مفید واقع شود اما این مجوز درستی و مفید بودن نادانی نیست اما این ادعا بر این پایه فلسفی زیرا در هزاران جای دیگر مضر استوار است که گاهی اوقات آگاهی و ضد انسانی است.

## "برداشتن حجاب از اسلام و مالتی کالچرالیسم" مجموعه ای آموزشی و راهنمای موثری برای فعالیتهای مدافعین حقوق جهانشمول

انسان فعالین عرصه بی خدایی مدافعین رهایی زن و طرفداران حقوق کودک می باشد. این کتاب مجموعه ای از مقالات و سخنرانیهای اعظم کم گویان بزبان انگلیسی است که اخیرا با عنوان فوق در 190 صفحه منتشر شده است. این مقالات و سخنرانیها اساسا در جدل و پلیمیک با:

مخالفین جهانشمولی حقوق انسان

مدافعین حجاب کودک زیر لوای آزادی مذهب و آزادی پوشش

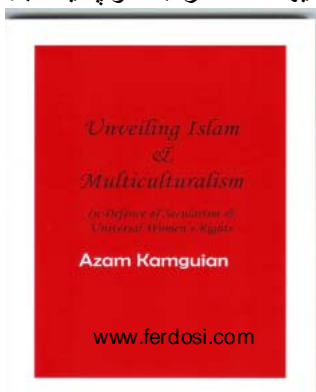
توجیه گران اسلام سیاسی در غرب و در خاورمیانه

مخالفین نقد اسلام و اسلاميون

مدافعین بی حقوقی زنان در کشورهای اسلام زده

و مخالفین سکولاریسم و

نقد بسیاری موضوعات دیگر نوشته و ارائه شده اند.





سلمان رشدی

## آنچه که مباحثه فرهنگی به آن نیازمند است، حماقت کمتر و سخن زشت بیشتر است!

ترجمه: فرزاد نازاری

دردرون همه ما وجود دارد. شود یک تقلید کم‌دی و مسخره و بی درشهرهای ورم کرده و چند زبانه تناسب است.

ما، ماهمگی چند رگه های اگرما، مانند فرد، عصری فرهنگی فرهنگی هستیم بنابراین مهم است را انتخاب کنیم و خواهیم همراهش که مابین مولتی کالچرالیسم و چند شویم آنچنان هم بدون تبعیض این جلوه ای بودن تمایز قائل شد. در کار را نمی کنیم.

دوره اینترنت و مهاجرت‌های انبوه بر طبق طبیعت‌های مان جامعه هم چند فرهنگی یک فاکت تغییرناپذیر همچنین، و باید توانایی تبعیض را است، دوست داشته باشید یا خیر ننگه دارد، رد و قبول بکند،

این محلی است که ما زندگی می ارزش‌هایی را در اوج ارزش‌های کنیم و رویای یک فرهنگ خالص دیگر بگذارد، و اصرار به تقبل این در بهترین حالت چیزی ارزشها توسط دیگر اعضایش بکند.

نادر، فرضیه ای نوستالورژیک و در این سوال زمانه ماست چطور یک بدترین حالت تهدید کننده زندگی اجتماع شکسته شده از گوناگونی است. زمانی که ایده های خلوص فرهنگی تعیین می کند که چه

( خلوص مذهبی، خلوص ارزش‌هایی باید در بین همه تقسیم نژادی، خلوص فرهنگی) تبدیل به شود تا منجر به چسبندگی و رابطه پاکسازی قومی می شوند و یا وقتی خویشاوندی شود. و چگونه می

هندوهای متعصب به تجربه " بی اصلاتی" مسلمانان هندی حمله می توان اصرار بر آن ارزش‌هایی داشت زمانی که باعث درگیری با برند، و یا زمانی که ایدئولوژیهای عقایدی، سننهایی و شهروندی می

اسلامی مردم جوان را برای خدمت به ایمان خالص که توسط شک و شود: جامعه چه چیزی را به

مرگ می رانند. خلوص شعاری شهروندش مدیون است؟ شورشهای است که ما را به طرف جدایی ها و فرانسه حقیقت سختی را به نمایش

انفجارها سوق می دهد. اجازه دهید بیشتر از این خلوص نداشته باشیم، با هویت ملی نکنند از خود بیگانگی یک کمی ناخالصی بیشتر، خواهش آنها به خشم تبدیل می شود. چاهان

میکنم پاکسازی کمتر، حرف زشت و دیگران حق دارند که بر موضوع بیشتر، ما همه راحت در عدالت اجتماعی اصرار ورزند،

رخنخواه‌ایمان می خواهیم. باید با محرومیت و راسیسم سریعاً مقابله شود، اگر ما می خواهیم یک

جامعه پلورال براساس چیزی که ما را متحد می کند بسازیم باید بر علیه آن می شود ارتجاع و ستم به زن را چیزی باشیم که ما را از هم جدا می

توجه کرد. ایده بریتانیایی چند کند. اما مسئله آزادی های درونی فرهنگی، فرهنگهای مختلفی که در نمی تواند زیر آب برود. هیچ جامعه

زیر پرچمی از بریتانیکا زندگی ای هرچقدر هم شکیب و بردبار قادر مسالمت آمیز میکنند، توسط به پیشرفت و رونق نیست،

بمبگذارهای 7 جولای و توسط اگر شهروندان ارزشی برای معنی گتوهای بی رحم گشته ای که از آن شهروندی آن جامعه قائل نباشند.

جهیده بودند به هم ریخت. اگر از آنها سوال کردند، مانند انسان فرانسوی، هندی و بریتانیایی در مله‌های اجتماعی قابل دسترس از چه چیزی حمایت می کنید پاسخ

دیگر یک شماره اندازه تن همه روشنی ندارند که بدهند. است یکجور سازی و یکسانی کامل به نظرنه تنها ناخوش آیند بلکه غیرقابل دسترس هم هست و چیزی که باقی می ماند نزدیک شدن به درونه ارزش‌هایی است که آزمون بریتانیت پیش پا میگذارد و به طریقی که هم اکنون عرضه می

مولتی کالچرالیسم همیشه ایده ای آماده برای نبرد بوده است. اما این ایده امروزه رشدی درنده خوتر کرده است. در این تروریسم است که دستور جلسه سیاسی را آماده میکند، و به ما مهمیز می زند که جواب دهیم. تروریسمی که هدفش تبدیل کردن تنوع ما به جدایی‌ها و بعد استفاده از این جدایی‌ها برای توجیه کردن. شکی نیست، زمانی که زنده‌های بلژیکی توسط بلژیکی های آفریقایی تبار ترغیب می شوند که خود و دیگران را منفجر کنند، معتقد شدن به جامعه چند فرهنگی مشکلتر می شود. کم‌دینها تلاش کرده اند که با

روبرو شدن با آنها ترس مردم را خنثی کنند. اسم من شازیه میرزا و یا حداقل چیزی که گواهینامه خلبانی من میگه اما برای برسیدن به آرامش به چیزهای بیشتری از کم‌دی نیازمندیم.

بریتانیا بزرگترین حامی مولتی کالچرالیسم در میان دول اروپایی، قلب این نبرد است. طبق مراجعاتی که به آرا مردم کرده اند. آنها مایلند حمایتشان را به

مولتی کالچرالیسم حتی بعد از شلوغی بمبگذارهای 7 جولای ادامه دهند. تعدادی از مفسرین تا اندازه ای کمتر موافق بوده اند. دیوید گودهارت سردبیر مجله

پرسپکت سوال قدیمی و فلسفی چه کسی برادر من است؟ را میپرسد و اظهار میکند جامعه، بیش از حد گوناگون، یکی از غیر قابل

تحملها می شود. اولین اسقف سیاه پوست بریتانیا دکتر جان سننامو مولتی کالچرالیسم را متهم به بد

بودن برای هویت ملی بریتانیایی کرد. و حکومت اعلام کرد که شهروندهای جدید باید از امروز

به بعد از آزمون بریتانیت بگذرند. با تمام تضادهای آشتی ناپذیرش

پاسپورتها نوعی گواهینامه رانندگی خواهند شد که ثابت می کند شما قوانین جاده ناسیونالیسم را آموخته ای.

در انتهای دیگر منظره کارن چوهان از "به سازمان حقوق بشر می گوید ما به یک جدل جدی در این باره نیازمندیم که تا چه اندازه باید

در هر گوشه از جامعه در حمله به تبعیض نژادی پیش برویم. نه اینکه به عقب برگردیم و همه کس را مجبور کنیم که بریتانیایی سفید پوست شود.

این غیر ممکن است برای شخصی مانند من که زندگی به دلیل عمل مهاجرت کاملا تغییر کرد، تماما در باره این ارزش و یا عملی اینچنین کاملا بیطرف باشد.

بیشتر عمر من نویسنده‌ام را صرف تجلیل از پتانسیل برای خلاقیت و نوکردن رویارویی ها و اصطکاک های فرهنگی در این دنیای به هم

پیوندخورده و تبدیل شده به یک محل مشترک کرده ام. دوباره اگر مردم انگشت نما کنند من تبر نومی دارم که تیز کنم. زیرا بحث آیات شیطانی لحظه ای محوری در جعل کردن هویت سیاسی

مسلمان بریتانیایی و دستور کار سیاسی بود. من از یادداشت کردن طعنه ها در مانده نشده ام، یک اثر هنری سکولار موجب فعال شدن قدرتمندانه نیروهای ضد سکولار و عامه گرا می شود، مسلمانان به جای آسیایی ها. و بله در نتیجه جدل در باره مولتی کالچرالیسم برای من تبدیل به یک جدل درونی شده است، یک پرخاش در خود است. من تنها نیستم، آمیختگی فرهنگی با تمام تضادهای آشتی ناپذیرش

